روایت جانباز زهرا مختاری از بمباران گیلان غرب:

بمب‌های خوشه‌ای هواپیماهای عراقی به روی مردم بی‌دفاع ریخته شد

*حسن شکیب‌زاده

اولین روز شهریور ماه سال ۱۳۴۵ در محله قدیمی تهران قدیم قزوین به دنیا آمدم و شناسنامه‌ام شد شناسنامه خواهرم که دو سال از من بزرگ‌تر بود و به تازگی فوت کرده بود. سه سال اول تحصیلات دوران ابتدایی را در دبستان حیدری همان محل و بقیه را تا پایان دوره ابتدایی در دبستانی در خیابان سعدی گذراندم، چرا که بعد از مدتی به دلیل ورشکستگی پدرم خانه را فروخته و در خیابان سعدی مستاجرِ یک خانواده شدیم. پدرم در آن زمان، همانند بسیاری از والدین اصلا موافق ادامه تحصیل دختران نبود، ولی من پیش عمویم زندگی می‌کردم و توانستم به صورت مخفیانه درسم را یک سالی در مدرسه شبانه راهنمایی ادامه دهم.

هنوز وارد کلاس دوم راهنمایی نشده بودم که مرا به عقد مردی درآوردند که ۲۵ سال از من بزرگ‌تر بود و بعدا متوجه شدیم همسر و فرزند هم دارد. چون هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده بودم، عاقد در محضر، از دادن عقدنامه به همسرم خودداری کرد و پس از خواندن صیغه گفت: «دو سال دیگر برای گرفتن عقدنامه بیایید که عروس به سن قانونی رسیده باشد»، البته عاقد از همسرم یک برگ چک سفید هم گرفت و در محضر نگه‌داری کرد و او را تهدید کرد در صورتی که اعمال خلاف قانون از او سر بزند و یا با من ناسازگاری کند، چک را در اختیار من قرار خواهد داد.

پس از مدتی که اولین فرزندم به دنیا آمد چون خانواده همسرم در سرپل‌ذهاب ساکن بودند ما هم به آن شهر نقل مکان کردیم. دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود و مدتی بعد به گیلان‌غرب کوچ کردیم. در آنجا من با حضور در نهادهای مردمی کار با سلاح‌های جنگی و کمک‌های اولیه را آموختم و با آغاز جنگ تحمیلی و حملات مستمر هوایی و زمینی عراق به این شهر، مردم تا آخر ایستادگی کرده و اجازه نفوذ جنایتکاران را به این شهر ندادند.

***چند لحظه‌ای گذشت و بمب‌های خوشه‌ای هواپیماهای عراقی در همان منطقه به روی مردم بی‌دفاع ریخته شد. تا آمدم به خودم بجنبم، ترکش‌های زیادی به طرف ما پرتاب شد که یکی از آنها به سر دخترم اصابت کرد و در حالی که خون از سرش می‌آمد، مرتب می‌گفت: «مادر چیزی نشده، فقط کمی سرم درد می‌کند» و بلند شد که از آن منطقه فرار کنیم، من هم تمام بدنم از کمر به بالا پُر از ترکش شده بود و توان حرکت نداشتم، به سختی بلند شدم**

از آنجایی که هر روز این شهر مورد تهاجم هوایی جنگنده‌های عراق قرار گرفته و اماکن مختلف شهر را بمباران می‌کردند، روزها با مردم به غاری در کنار کوه‌های اطراف شهر پناه می‌بردیم و شب‌ها که هوا کاملا تاریک می‌شد، برای استراحت به خانه بازمی‌گشتیم.

پس از مدتی یکی از خانه‌هایی که برای جنگ‌زدگان و در منطقه‌ای میان اسلام‌آباد غرب و ایلام ساخته شده بود را در اختیار ما قرار دادند و به آنجا نقل مکان کردیم. در همین ایام به هلال‌احمر اسلام‌آباد غرب رفت‌وآمد داشتم و در قالب گروهی از زنان منطقه، فعالیت‌هایی انجام می‌دادیم که مرتبط با نیازهای جبهه‌ها و رزمندگان بود. ضمن اینکه با توجه به تجربه‌ای که در قالی‌بافی داشتم، این هنر را به زنان محروم روستا هم آموزش می‌دادم.

دخترم «رزیتا» یازده سال بیشتر نداشت ولی عجیب عاشق شهادت بود و با دیدن حماسه رزمندگان در شهر و گزارش‌های تلویزیونی، همیشه آرزو می‌کرد شهید شود و روی تمام کتاب‌های مدرسه‌اش اسمش را با عنوان «شهید رزیتا بابایی» نوشته بود.

یکم دی‌ماه سال ۱۳۶۵ بود باید وسایلی را تحویل هلال‌احمر می‌دادم. با دخترم رزیتا رفتیم هلال‌احمر و پس از تحویل کمک‌های مردمی برای جبهه‌ها، اول کوچه میدان امام خمینی، تصمیم گرفتم مقداری نان برای خانه بخرم. دخترم کنار درختی ایستاد و من برای تهیه نان رفتم به مغازه نانوایی. دور میدان چند خودرو با هم تصادف کرده بودند و ترافیک سنگینی به وجود آمده بود. در همین حال هم صدای غُرش هواپیمای دشمن در آسمان شنیده شد. از صاحب مغازه نانوایی خواهش کردم که اجازه دهد دخترم وارد مغازه شود تا در صورت بمباران، آسیبی نبیند، اما هر چه اصرار کردم قبول نکردند. به اجبار دخترم را صدا کردم و او را زیر میزی بردم که با فاصله جلوی مغازه نانوایی بود تا مشتری‌ها رویش نان‌ها را سرد کنند و خود را هم در یک طرف سپر قرار دادم که اگر ترکشی آمد به خودم اصابت کند و دخترم در امان باشد.

چند لحظه‌ای گذشت و بمب‌های خوشه‌ای هواپیماهای عراقی در همان منطقه به روی مردم بی‌دفاع ریخته شد. تا آمدم به خودم بجنبم، ترکش‌های زیادی به طرف ما پرتاب شد که یکی از آنها به سر دخترم اصابت کرد و درحالی که خون از سرش می‌آمد، مرتب می‌گفت: «مادر چیزی نشده، فقط کمی سرم درد می‌کند» و بلند شد که از آن منطقه فرار کنیم، من هم تمام بدنم از کمر به بالا پُر از ترکش شده بود و توان حرکت نداشتم، به سختی بلند شدم، دیدم در آن منطقه، عاشورایی برپاست و عده زیادی بر اثر اصابت بمب و ترکش‌های آن مجروح شده و یا به شهادت رسیده‌اند و تا چشم کار می‌کرد گردوغبار، دست و پا و خون بود که روی زمین دیده می‌شد. جوانی آمد و مرا از زمین بلند کرد و کشان‌کشان به سمتی بُرد که در امان باشم و دخترم هم پابه‌پای ما می‌آمد که هواپیماهای عراقی مجدداً حمله کردند و ترکش بمب‌هایی که دوباره در منطقه رها کردند، آن جوان را به شهادت رساند و من هم زمین‌گیر شدم. شدت بمباران و کشته و زخمی‌شدن مردم به

***صدای آه و ناله مجروحان بلند بود، پیکرهای زیادی به همراه دست و پاهای قطع‌شده بر روی زمین افتاده و خون همه جا پاشیده بود. عده‌ای فرار می‌کردند، عده‌ای به دنبال عزیزانشان بودند، برخی که بستگانشان شهید شده بودند به سر و سینه می‌زدند و صدای غُرش هواپیماها هم برای یک لحظه قطع نمی‌شد**

قدری بود که تا آن روز چنین صحنه‌ای در تمام بمباران‌های گذشته ندیده و بعد از آن هم تا پایان جنگ ندیدم.

صدای آه و ناله مجروحان بلند بود، پیکرهای زیادی به همراه دست و پاهای قطع‌شده بر روی زمین افتاده بود و خون همه جا پاشیده بود. عده‌ای فرار می‌کردند، عده‌ای به دنبال عزیزانشان بودند، برخی که بستگانشان شهید شده بودند به سر و سینه می‌زدند و صدای غُرش هواپیماها هم یک لحظه قطع نمی‌شد. بعد از چند ساعت که اوضاع کمی آرام شد و دیگر خبری از هواپیماهای دشمن نبود، آمبولانس‌ها و خودروهای مختلف آمدند و مجروحان را به بیمارستان امام خمینی اسلام‌آباد غرب منتقل کردند. در آنجا وقتی وضعیت وخیم من و دخترم را دیدند، ما را به بیمارستان امام خمینی کرمانشاه اعزام کردند.

در بیمارستان کرمانشاه هم جای سوزن انداختن نبود و ده‌ها مجروح در پشت اتاق عمل منتظر نوبت بودند، مجروحانی که بعضی دست و پایشان قطع شده و سایر اعضای بدنشان بر اثر اصابت ترکش شکاف برداشته بود. بعد از ساعت‌ها انتظار، اول دخترم را به اتاق عمل بردند، درحالی که مرتب گریه می‌کرد و از سردرد کلافه شده بود. اول خواهش کردم که مرا هم با او به اتاق عمل ببرند که مراقبش باشم، اما اصرارهایم بی‌نتیجه بود و او را به اتاق عمل منتقل کردند. کم‌کم به خاطر خونریزی زیاد بی‌حال و رمق شدم که دکتر کیخسرو قبادیان، جراح اتاق عمل به سراغ من آمد و گفت: «بلند شو بیا داخل اتاق عمل». وارد اتاق عمل که شدم رزیتا را ندیدم و از آنجایی که فقط نگران رزیتا بودم گفتم: «پس دخترم کو، چرا اینجا نیست، من دخترم را می‌خواهم». مرتب گریه و زاری می‌کردم و اجازه عمل نمی‌دادم و می‌گفتم: «من فقط دخترم را می‌خواهم.» و آنها هم اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند.

دکتر به خاطر عمل‌هایی زیاد، توان ادامه کار را نداشت و می‌گفت: «من ۴۸ ساعت است که نخوابیده‌ام، تو رو به خدا بیا و اجازه بده جلوی خون‌ریزی‌ات را بگیریم و از دست نروی». وقتی دید من به حرف‌هایش توجه نمی‌کنم، چند نفر را صدا کرد آمدند و مرا درحالی که لخته‌های خون از بدنم به زمین می‌ریخت، به روی تخت بردند. در همین هنگام چشمم به تعدادی دست و پای قطع شده در اتاق عمل افتاد و پرستاران و دکتر را قسم دادم که اگر نیاز به قطع کردن دست و پایم بود این کار را نکنید و به جای آن حاضرم مرا بُکشید، اما دست و پایم قطع نشود و آنها هم می‌خندیدند و برای روحیه دادن به من حرف‌هایی می‌زدند که کم کم قادر نبودم بشنوم، وقتی چشم باز کردم و به هوش آمدم

***وارد اتاق عمل که شدم رزیتا را ندیدم و از آنجایی که فقط نگران رزیتا بودم گفتم: «پس دخترم کو، چرا اینجا نیست، من دخترم را می‌خواهم». مرتب گریه و زاری می‌کردم و اجازه عمل نمی‌دادم و می‌گفتم: «من فقط دخترم را می‌خواهم.» و آنها هم اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند و بعد مطلع شدم دختر شهید شده است**

بر روی تخت بیمارستان امام خمینی تهران بودم. در این فاصله موضوع را به خانواده‌ام اطلاع داده بودند و آنها هم برای دیدنم به بیمارستان آمده بودند. حالا به هوش آمده‌ام و باز هم مرتب سراغ رزیتا را می‌گیرم و آنها هم می‌گویند که در بیمارستان بستری است.

بعد از عمل‌های مجدد در آن بیمارستان و هفته‌ها بستری، نسبتا بهبود پیدا کردم و به خانه بازگشتم که خبر شهادت دخترم را به من دادند و متوجه شدم که او همان زمانی که در کرمانشاه به اتاق عمل منتقل می‌شود، به شهادت رسیده و در گلزار شهدای گیلان غرب دفن شده است.

سال‌های پس از جنگ تحمیلی به دلیل مشکلاتی که با وجود سه فرزند داشتم، زندگی پُر فراز و نشیبی را گذراندم و سختی‌های بسیاری را تحمل کردم. سال‌ها در نهادها، شرکت‌ها و خانه‌های مردم کار و تلاش کردم تا فرزندانم را به سرانجام برسانم.

***منبع: کتاب آینه صبوری. حسن شکیب‌زاده. ۱۴۰۰**

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک محلات
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

شماره:۱۴۰۱۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۶۵۳
تاریخ:۱۴۰۱/۱۰/۱۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی -۱ برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۶۱۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پروانه علی اکبری فرزند محسن بشماره شناسنامه ۲۳ صادره از محلات به کد ملی ۰۵۶۹۸۸۸۲۱۲ نسبت به ۱۲۰۰ سهم مشاع از ۱۰۷۸۲۸ سهم ششدانگ پلاک ۶۹۹ فرعی از ۴۱۴۲ اصلی واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۶۲۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علیرضا ملاعلی اکبری فرزند محسن بشماره شناسنامه ۷۹۱۲۹ صادره از محلات به کد ملی ۰۳۸۰۸۰۰۰۴۷ نسبت به ۴۶۹۹ سهم مشاع از ۱۰۷۸۲۸ سهم ششدانگ پلاک ۶۹۹ فرعی از ۴۱۴۲ اصلی واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

- برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۶۲۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی افسانه ملاعلی اکبری فرزند محسن بشماره شناسنامه ۴۴ صادره از محلات به کد ملی ۰۵۶۹۸۹۲۸۴۸ نسبت به ۱۰۰۰ سهم مشاع از ۱۰۷۸۲۸ سهم ششدانگ پلاک ۶۹۹ فرعی از ۴۱۴۲ اصلی واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۴- برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۶۲۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مهدی حمیدی فرزند مصطفی بشماره شناسنامه ۳۷۸ صادره از محلات به کد ملی ۰۵۶۹۸۱۲۳۹۹ نسبت به ۱۰۰۰ سهم مشاع از ۱۰۷۸۲۸ سهم ششدانگ پلاک ۶۹۹ فرعی از ۴۱۴۲ اصلی واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۵ برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۶۱۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی زهره غلامی فرزند صفر بشماره شناسنامه ۴۱ صادره از محلات به کد ملی ۰۵۶۹۶۵۱۰۱ نسبت به ۸۰۰ سهم مشاع از ۱۰۷۸۲۸ سهم ششدانگ پلاک ۶۹۹ فرعی از ۴۱۴۲ اصلی واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۶- برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۶۱۸ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی قدسی غلامی فرزند صفر بشماره شناسنامه ۲۰۵۸ صادره از محلات به کد ملی ۰۵۶۹۶۱۳۳۲ نسبت به ۱۱۷۷ سهم مشاع از ۱۰۷۸۲۸ سهم ششدانگ پلاک ۶۹۹ فرعی از ۴۱۴۲ اصلی واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

۷ برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۶۱۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی فاطمه ابراهیمی فرزند عباس بشماره شناسنامه ۱۵۵ صادره از محلات به کد ملی ۰۵۶۹۷۸۸۷۵۷ نسبت به ۳۰۳۲ سهم مشاع از ۱۰۷۸۲۸ سهم ششدانگ پلاک ۶۹۹ فرعی از ۴۱۴۲ اصلی واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

- برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۰۶۱۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ابراهیم ملا علی اکبری فرزند علیرضا بشماره شناسنامه ۴۹ صادره از محلات به کد ملی ۰۵۶۹۹۲۲۶۶۶ نسبت به ۱۸۰۰ سهم مشاع از ۱۰۷۸۲۸ پلاک ۶۹۹ فرعی از ۴۱۴۲ اصلی واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۱/۲

علی صالحی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده
شرکت تعاونی توسعه و عمران شهرستان تفرش
به شماره ثبت ۵۵۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۹۹۴۸۶۴
(نوبت اول)

به اطلاع می رساند جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی توسعه و عمران شهرستان تفرش در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۳ ساعت ۱۶ در محل پژوهشسرای استاد سحاب، جنب خانه معلم(استادیوم) برگزار می گردد. از کلیه اعضای شرکت تعاونی دعوت می‌شود جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این مجمع حضور بهم رسانند. در صورتیکه حضور عضوی در مجمع میسر نباشد می تواند حق رای خود را به موجب وکالتنامه به عضو دیگر یا نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید. تعداد آراء وکالتی هر عضو یک رای و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود. زمان و مکان بررسی وکالت نامه‌ها از تاریخ انتشار آگهی تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱در محل دفتر تعاونی می‌باشد. ضمناً داوطلبان عضویت در سمت هیأت مدیره یا بازرسی موظفند، حداکثر ۵ روز از تاریخ انتشار آگهی یا صدور دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی عادی، مدارک مربوطه را به هیأت مدیره تحویل نمایند.

دستور جلسه:
۱ ـ استماع گزارش هیات مدیره و بازرس.
۲ - انتخابات اعضای هیئت مدیره و بازرس/ بازرسان.
۳ ـ تعیین میزان حق الجلسات هیات مدیره.
۴ - تعیین خط و مشی آینده شرکت و سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.

هیأت مدیره شرکت تعاونی توسعه و عمران شهرستان تفرش

آگهی مزایده یک قطعه زمین با کاربری تجاری (نوبت سوم)
شرکت تعاونی مسکن شماره ۴ کارکنان وزارت کشور
به شماره ثبت ۳۰۹۶۳۷

شرکت تعاونی مسکن شماره ۴ کارکنان وزارت کشور در نظر دارد با مجوز مورخ ۱۳۹۴/۴/۱۳ مجمع عمومی سالیانه و مصوبه شماره ۲۱۷ مورخ ۱۳۹۹/۲/۲۸ هیأت مدیره تعاونی نسبت به واگذاری یک قطعه زمین با کاربری تجاری به منظور تامین بخشی از هزینه‌های ضروری پروژه در دست اقدام از طریق مزایده عمومی با شرایط ذیل واگذار نماید.

قطعه شماره ۳۰۰ به پلاک ثبتی ۱۳۳۹۰ فرعی از ۴۷ اصلی به مساحت ۵۰۰ مترمربع و هر مترمربع به مبلغ پایه ۳۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

آدرس: اسلامشهر بلوار آیت‌الله سعیدی، روبه‌روی شهرک سعیدیه مجتمع سیمرغ

از متقاضیان دعوت بعمل می‌آید جهت دریافت فرم‌های شرکت در مزایده و اطلاع از شرایط آن به دفتر تعاونی مسکن شماره ۴ کارکنان وزارت کشور به آدرس: تهران - میدان جهاد (فاطمی) خیابان جویبار - نبش خیابان میرهادی - پلاک ۵۶- طبقه ۷ واحد ۱۴ مراجعه نمایند.

مهلت شرکت در مزایده ۷ روز کاری از زمان نشر آگهی می‌باشد.

ابوالفضل آسیابی
مدیرعامل و عضو هیئت مدیره

آگهی دعوت از مجاورین پلاک ۰
فرعی از ۷۳۸ اصلی بخش یک شهر کاشمر

بدینوسیله به مالکین پلاکهای ۷۳۷ اصلی و ۷۳۹ اصلی و ۷۴۲ اصلی بخش یک شهر کاشمر ابلاغ می گردد با توجه به اینکه وقت تعیین متراژ و مساحت پلاک ۰ فرعی از ۷۳۸ اصلی یک شهر کاشمر مورد تقاضای حسین خزاعی فدافن و غیره که در مجاورت ملک شمامی باشد در روز ۴ شنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۰۵ ساعت ۱۰ صبح تعیین گردیده و در محل انجام خواهد شد چنانچه در مورد حدود و حقوق ارتفاقی ملک مزبور حقی برای خود قائل هستید و یا اختلافی با مجاور مزبور دارید میتوانید در روز و ساعت مقرر در محل وقوع ملک واقع در کاشمر خیابان ۱۷ شهریور ۲ پشت تکیه حسینی حاضر گردیده و برابر کد ۹۱۴ مجموعه بخشنامه های ثبتی مطالب خود را اظهار دارید بدیهی است در صورت عدم، حضور عملیات ثبتی برابر مقررات ادامه می‌یابد. م_الف ۲۶۴

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر بر اینکه خانم اعظم بالازاده ایرلو برابر درخواست وارده شماره ۱۰۳۳۸۱۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۷ اعلام داشته که ورقه بهای ثمنیه عرصه و اعیان مقدار یک دانگ و نیم مشاع از ششدانگ پلاک قطعه ۲۰ تفکیکی بشماره ۵۹۱۶ فرعی مفروز و مجزی شده از ۷۵۱ فرعی از ۷۳ اصلی واقع در بخش سه اردبیل مربوط به صفحه - دفتر - شماره ثبت - بشماره چاپی - که باستناد سند قطعی شماره - مورخ - دفترخانه - اردبیل از طرف - بنام خانم اعظم بالازاده ایرلو انتقال قطعی داده شده است بعلت نامعلوم مفقود و پس از جستجوی کامل پیدا نشده، لذا طبق تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین‌نامه اصلاحی قانون ثبت تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است که طی شماره یکتا ۱۴۰۱۸۰۰۰۳۱۴۴۰۰۰۳۲۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۹ به کلیه دفاتر اسناد رسمی بخشنامه گردیده، حال موضوع یکبار در روزنامه آگهی تا هرکس هرگونه ادعای به وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود داشته باشد ظرف مدت ده روز پس از تاریخ انتشار این آگهی اصل سند مالکیت را با اخذ رسید تسلیم این اداره نمایند بدیهی است پس از انقضای مدت مقرره اداره ثبت نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات قانونی اقدام نموده و سند اولیه را از درجه اعتبار ساقط خواهد نمود. م الف ۶۰۰

تاریخ انتشار ۱۴۰۱/۱۱/۲

احمدیان - رئیس ثبت منطقه یک شهرستان اردبیل

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده
سهامداران شرکت ایده توسعه میهن (سهامی خاص)
به شماره ثبت: ۲۲۳۵۶۵ و شناسه ملی: ۱۰۱۰۲۶۴۷۸۷۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران و یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده این شرکت که ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۳ واقع در مرکز اصلی شرکت برگزار می‌گردد حضور بهم رسانند.

موضوع جلسه: -انتخاب اعضاء هیئت مدیره -سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده باشد.

هیئت مدیره شرکت ایده توسعه میهن (سهامی خاص)

آگهی دعوت سهامداران شرکت خودرو سپند صنعت (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۲۹۵۴۴ شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۲۸۸۴۹
جهت تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت مذکور دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده که راس ساعت ۱۰ صبح روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۱,۱۱,۱۳ در محل قانونی شرکت تشکیل می شود حضور به هم رسانند:

دستور جلسه: ۱- انتخاب اعضای هیئت مدیره و تعیین سمت آنان ۲- تعیین دارندگان حق امضاء ۳- انتخاب بازرسین

هیئت مدیره

آگهی مزایده یک مرحله‌ای شماره ۴۰۱/۲ س

شرکت مخابرات ایران (سهامی عام) منطقه سمنان

مخابرات منطقه سمنان در نظر دارد نسبت به فروش اجناس مازاد بشرح: ۱- گروه جمع‌آوری ۲- گروه اسقاط ۳- گروه گرمسار ۴- گروه شاهرود ۵- گروه آهن‌آلات ۶- گروه کاغذ انبار مرکزی سمنان را از طریق مزایده عمومی به شرح اسناد مزایده اقدام نماید. لذا متقاضیان حقیقی و حقوقی واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ ضمن واریز مبلغ ۱۰۰.۰۰۰ ریال به حساب ۰۱۰۵۹۶۸۵۰۸۰۰۳ مخابرات منطقه نزد بانک ملی شعبه مرکزی سمنان کد ۲۵۰۱ با در دست داشتن فیش واریزی به آدرس‌های زیر جهت خرید اسناد مراجعه فرمایند.

مدت زمان فروش اسناد مزایده و بازدید از انبار از تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ لغایت ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ و زمان تحویل پاکات به دبیرخانه مخابرات منطقه سمنان یا از طریق اداره پست بصورت پیشتاز تا ساعت ۱۶ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ می‌باشد.

کمیسیون معاملات در اولین روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۸ پس از اتمام تحویل اسناد، پاکت‌های الف، ب و ج پیشنهاددهندگان در مزایده را بازگشائی، کنترل، بررسی و تصمیم‌گیری خواهد نمود.

مبلغ ضمانتنامه شرکت در مزایده ۱۰ درصد قیمت پیشنهادی و پرداخت مبلغ ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده به عهده برنده مزایده می‌باشد.

بدیهی است رد یا پذیرش یک یا کلیه پیشنهاد واصله و فروش تجمیعی یا تفکیکی گروه‌های اعلام شده از اختیارات مخابرات منطقه سمنان می‌باشد.

آدرس‌ها عبارتند از: سمنان، میدان هفتم تیر، مخابرات منطقه سمنان، اداره تدارکات و پشتیبانی

آدرس الکترونیکی برای رؤیت و دریافت اسناد مزایده: sm.tci.ir

مخابرات منطقه سمنان

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم
شرکت تعاونی مسکن مهر هشت شهرستان دماوند
و حومه به شماره ثبت ۳۶۶
و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۳۰۲۱۱

بدینوسیله از کلیه اعضا و نمایندگان قانونی دعوت میشود تا در مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم راس ساعت ۱۱ صبح به تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۲ در حسینیه انصارالحسین رودهن در محل رودهن- خیابان چمران -حسینیه انصارالحسین حضور به هم رسانند.

نمایندگان اعضا باید حداکثر ۲۴ ساعت پیش از برگزاری مجمع از ساعت ۸ تا ۱۶ به همراه عضو اعطا کننده نمایندگی با در دست داشتن مدارک قرارداد تعاونی و کارت شناسایی معتبر در محل دفتر شرکت تعاونی حاضر گردند .

جهت شرکت در جلسه به همراه داشتن قرارداد واگذاری الزامی می باشد.

دستور جلسه:
۱ - انتخاب اعضای هیئت تسویه
۲ - تمدید مهلت فعالیت تعاونی به مدت ۳ سال
۳ - تغییر آدرس دفتر به آدرس رودهن -خیابان امام خمینی -پاساژ عسگری- قسمت اداری -فاز ۱- طبقه دوم- واحد ۵

هیئت تسویه مسکن مهر هشت شهرستان دماوند و حومه

آگهی مناقصه عمومی مرحله دوم - نوبت دوم

شهرداری بندرماهشهر به استناد موافقت‌نامه شماره ۱۸/ش مورخ ۱۴۰۱/۱/۱۴ شورای اسلامی شهر در نظر دارد خرید پایه‌های روشنایی ورودی شهر از سمت ناحیه صنعتی بندرماهشهر را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجدالشرایط واگذار نماید.

۱ - اسناد مناقصه از مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۵ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی setadiran.ir و بارگذاری پاکت در سامانه مذکور تا ساعت ۱۸ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۸ و بازگشایی پاکت‌ها مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ می‌باشد.

۲ - مبلغ برآورد اولیه ۱۲/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که پیشنهاددهنده باید ۵٪ قیمت پایه معادل ۶۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال را بعنوان سپرده شرکت در مناقصه به حساب سیبا ۰۱۰۵۲۹۴۱۶۷۰۰۳ شهرداری بندر ماهشهر نزد بانک ملی شعبه شهرداری بندرماهشهر بصورت نقد یا ضمانتنامه بانکی ضمیمه پیشنهاد خود ارائه نماید.

۳ - شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.

۴ - متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن ۱۶-۵۲۳۳۹۱۱۴-۰۶۱ تماس و یا به آدرس www.mahshahr.ir مراجعه نمایند.

امور قراردادهای شهرداری بندرماهشهر